



Stopping the Bankruptcy of Banks and Financial Institutions and the Role of the Central Bank in Ensuring It

Abdullah Jamshidi¹, Saeed Kheradmandi^{2*}, Mohammad Javad Jafari³

1. PhD Student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 215-232

Article history:

Received: 09 Nov 2023

Edition: 15 Jan 2024

Accepted: 05 Mar 2024

Published online: 25 Mar 2025

Keywords:

Banking Rules and Regulations, Suspension, Bankruptcy, Bank, Financial Institution, Central Bank .

Corresponding Author:

Saeed Kheradmandi

Address:

Iran, Kermanshah, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Department of Law and Political Science.

Orchid Code:

0000-0002-5098-5181

Tel:

09122177176

Email:

saeid.kheradmandy@iau.ac.ir

ABSTRACT

Background and Purpose: Banks and financial institutions are the driving force of every country's economy due to their central role in financing and circulation of money and wealth in the society. Any disruption in their operations will leave very destructive effects on the financial system of countries, which can lead to monetary crises and have unpredictable economic and even social, political and security consequences; Therefore, in the monetary systems of the world, how to deal with this phenomenon is of particular importance and is done with great sensitivity. The purpose of this article is to examine the suspension of bankruptcy of banks and financial and credit institutions and the role of the central bank in bankruptcy and settlement operations.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: The findings showed that the central bank has a supervisory role in verifying the suspension and liquidation of the bankruptcy of banks and financial institutions, and this supervision is discretionary.

Result: The criterion for stopping the bankruptcy of banks and financial institutions is the supervisory threshold that is determined in monetary and banking regulations.

Cite this article as:

Jamshidi, A; Kheradmandi, S; Jafari, MJ. *Stopping the Bankruptcy of Banks and Financial Institutions and the Role of the Central Bank in Ensuring It* . Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

توقف در ورشکستگی بانکها و مؤسسات مالی و نقش بانک مرکزی در احراز آن

عبداله جمشیدی^۱، سعید خردمندی^{۲*} محمدجواد جعفری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بانکها و مؤسسه‌های مالی به دلیل نقش محوری که در تأمین مالی و گردش پول و ثروت در جامعه دارند، نیروی محرکه اقتصاد هر کشور محسوب می‌شوند. هر گونه اختلال در عملیات آنها آثار بسیار مخربی بر نظام مالی کشورها بر جای خواهد گذاشت که می‌تواند به بحران‌های پولی منجر شده و تبعات اقتصادی و حتی اجتماعی، سیاسی و امنیتی غیرقابل پیش‌بینی‌ای را در پی داشته باشد؛ از اینرو در نظام‌های پولی دنیا چگونگی برخورد با این پدیده اهمیت ویژه‌ای داشته و با حساسیت بسیار انجام می‌شود. هدف مقاله حاضر، بررسی توقف در ورشکستگی بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری و نقش بانک مرکزی در احراز ورشکستگی و عملیات تسویه است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بانک مرکزی در احراز توقف و تصفیه امور ورشکستگی بانکها و مؤسسات مالی نقش نظارتی دارد و این نظارت استصوابی است.

نتیجه: ملاک توقف در ورشکستگی بانکها و مؤسسات مالی آستانه نظارتی است که در مقررات پولی و بانکی تعیین می‌شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۱۵-۲۳۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

واژگان کلیدی:

قواعد و مقررات بانکی، توقف، ورشکستگی، بانک، مؤسسه مالی، بانک مرکزی.

نویسنده مسئول:

سعید خردمندی

آدرس پستی:

ایران، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، گروه حقوق و علوم سیاسی

تلفن:

09122177176

کد ارکید:

0000-0002-5098-5181

پست الکترونیک:

saeid.kheradmandy@iau.ac.ir

۱. مقدمه

به دلیل تبعات جدی اختلال در عملیات بانکی و مالی تلاش می‌شود تا با نظارت مستمر در مقطعی که بانک یا مؤسسه مالی بر اساس استانداردهای شناخته‌شده از مرزهای سلامت عبور می‌نماید با انجام اقدامات نظارتی به سرعت آن را به مسیر سلامت بازگردانند و در صورت عدم حصول نتیجه مطلوب، فرآیند حل و فصل یا بازسازی را عملیاتی نمایند تا در گام اول با اصلاح امور بانک یا مؤسسه مالی بحران زده نسبت به بازسازی آن اقدام و از ورشکستگی آن جلوگیری شود و در گام بعدی، در صورتی که امکان بازسازی مسالمت‌آمیز آن فراهم نشود و ناگزیر از اعلام وقوع ورشکستگی باشند، کاهش یافتن تبعات غیراقتصادی و اقتصادی آن به حداقل برسد. اهمیت پرداختن به مسئله ورشکستگی نهادهای مالی در نظام‌های پولی کشورهای در حال پیشرفت تا بدان جاست که درست‌ترین و سالم‌ترین بانک‌های فعال موظف شده‌اند برنامه‌هایی استاندارد شده برای رویارویی با پیدایش احتمالی شرایط توقف را داشته باشند تا با اقتضای تحول‌های پیرامونی در حوزه فعالیت خود نسبت به صحیح‌کردن و بازبینی و بازنگری برنامه‌های خود و در صورت عدم نیل به حصول نتیجه مطلوب در نهایت فرآیند اعلام ورشکستگی را شروع نمایند. هر نظام اقتصادی سالم و پویا نیازمند ابزاری برای پالودن ناخالصی‌ها و رفع اختلال‌هایی است که احتمال دارد در فعالیت‌های متنوع بازرگانی در جامعه رخ دهد. نهاد بانکی و مالی نیز از این امر مستثنی نیست و هر آن ممکن است به دلیل عملکرد ناصواب مدیران خود و یا به جهت تأثیرپذیری از شرایط اقتصادی ملی یا بین‌المللی با وضعیت توقف در پرداخت‌ها مواجه شود؛ امری که به اقتضای نوع فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی و

شرایط و اوضاع و احوال پیرامونی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بر اساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این سوال مهم است که توقف در ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری چگونه بوده و بانک مرکزی چه نقشی در احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و نظارت بر آنها دارد؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا، توقف در ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری بررسی شده و در ادامه از نقش بانک مرکزی در احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و و ابزارهای نظارتی و کنترلی بانک مرکزی بر آنها بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد بانک مرکزی در احراز توقف و تصفیه امور ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی نقش نظارتی دارد و این نظارت استصوابی است.

۵. بحث

وسعت بحران زایی عملیات بانک‌ها و مؤسسات مالی انگیزه‌های تازه‌ای برای دولت‌ها ایجاد کرده است تا در سیاست‌های نظام مالی موجود تجدیدنظر نماید و دوباره به منظور رسیدن به اهداف مطلوب از مقررات مالی چاره اندیشی نمایند. عدم موفقیت جهانی در تغییر خطر سیستماتیک نظام مالی بانک‌ها به عنوان یک هدف مالی در سطح جهانی نتیجه‌ای است که بانک‌های مرکزی برای ایفای

مرکزی در احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی مورد بررسی قرار گیرد.

۵-۱. ورشکستگی بانک‌ها در قوانین بانکی

بانک‌ها فارغ از فعالیت تجاری در چارچوب شرکت سهامی موضوع قانون تجارت از نظر موضوع فعالیت خود و مجموعه خدماتی که ارائه می‌نمایند تابع نظارت عالی بانک مرکزی به‌عنوان نهاد تنظیم‌کننده قوانین بانکی و نظارت بر آنها می‌باشند. در ارتباط با ورشکستگی بانک‌ها چند مدل گوناگون قابل بررسی است؛ نخست اینکه با توجه به ماهیت شرکتی فعالیت بانک‌ها رسیدگی به مسائل ورشکستگی و تصفیه آنها باید با توجه به مقررات قانون تجارت انجام پذیرد؛ لذا با توجه به این نظر، موضوع محوری متوجه شکل و چارچوب فعالیت بانک‌ها که شرکت سهامی است خواهد بود و می‌بایست به‌منظور تفحص در نحوه تصفیه یک بانک در صورت ورشکستگی تنها به مضمون قانون تجارت توجه شود. متقابلاً این نظر قابل طرح است که با توجه به ویژگی‌های فعالیت بانک‌ها و ارتباط آنها با نظام پولی و بانکی کشور در ارتباط با ورشکستگی بانک و فرآیند تصفیه لازم است قائل به تخصیص شده و تا جای ممکن از تسری مفاد قانون تجارت در ارتباط با ورشکستگی بانک‌ها خودداری شود و بر اساس مقررات به خصوص حاکم بر شیوه رسیدگی به ورشکستگی بانک‌ها در این خصوص اقدام شود (احمدیان، ۱۳۳۲). در نهایت سومین نظریه بر این پایه استوار است که با توجه به ماهیت فعالیت بانک‌ها و عملیات بانکی باید به‌طور کلی قوانین مربوط به ورشکستگی و تصفیه بانک‌ها را از قوانین عام یعنی قانون تجارت و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی جدا نمود و طبق یک حکم خاص به وضعیت ورشکستگی بانک‌ها رسیدگی کرد. به نظر می‌رسد با عنایت به وضعیت فعلی فعالیت بانک‌ها از

نقش نظارتی خود نیروی کافی را به کار نگرفته‌اند (گروپ و همکاران، ۲۰۱۹). توسعه ابزارهای کلان که می‌توانند در کنار سیاست پولی به کار گرفته شوند باید به تلاش برای جلوگیری از در معرض خطر قرار گرفتن کل نظام مالی بپردازند. دولت‌ها برای معرفی و تنظیم دامنه ویژه تلاش چندانی نکرده‌اند. شکل‌های قطعنامه که تأثیر سیستماتیک عدم موفقیت را کاهش می‌دهند می‌تواند به آن پرداخته مشوق‌های خطر اخلاقی ناشی از شبکه‌های ایمنی ضمنی. مدیران محتاط و توسعه یافته، استانداردهای مؤسسات بزرگ و پیچیده که شکست آنها می‌تواند یک اختلال اساسی مالی داشته باشد (عبداللهی‌پور؛ بت شکن، ۱۳۹۹، ۷)، تأثیر در بازارهای مالی و این که بانک‌های مرکزی همیشه در ارتقاء سیستماتیک قوی موفق نبوده‌اند رویه‌های پاکسازی و تسویه حساب مالی که به سرعت در حال تحول است، بازارها نمونه‌ای که توسط این بحران برجسته شده است، عدم وجود زیرساخت‌های قوی برای مشتقات اعتباری، به نظر نمی‌رسد که چارچوب کلی برای دستیابی به آن کاملاً مساعد بوده باشد، اهداف، غالب مسئولیت‌ها و ابزارهای بانک مرکزی را در آن تعریف نمی‌کند. پیگیری ثبات مالی، کاهش مؤثرتر خطر سیستمیک نیاز به تکمیل مجموعه ابزارهایی دارد که می‌تواند (نیکبخت، ۱۳۹۹، ۵۲؛ باقری؛ توسلی، ۱۳۹۲، ۹۸). در پیگیری ثبات مالی بکار رود (صقری، ۱۳۸۸، ۴۷۵). با این حال، این سؤال را ایجاد می‌کند که چه کسی باید ملتزم به استفاده از این ابزارها باشد؛ و به‌طور کلی، کدام ساختارهای نظارتی هستند که منجر به کاهش موفقیت آمیز خطر سیستماتیک می‌شوند؟ در این قسمت برای روشن شدن برخی از این موضوعات تلاش شده است، وظایف بانک مرکزی در احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی و همچنین ابزارها و روش‌های بانک

بانکهای منحل گشته یا ورشکسته و دیگر حقوق ممتازه مقدم می‌باشد.

با نابودی یا ورشکستگی یک بانک نامش از دفترهای اداره ثبت حذف گردید. همچنین نیز در تبصره اضافه شده ماده در قسمت بالا ذکر شده مصوبه جلسه مورخ ۱۳۹۴/۷/۷ مجلس شورای اسلامی معین شده است که مواد ۳۹، ۴۰ و ۴۱ (به غیر از بنده ماده اخیر قانون پولی و بانکی کشور ۱۳۵۱۹/۴/۱۸) شامل کلیه مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی که با تشخیص بانک مرکزی به عملیات بانکی مبادرت می‌کند به غیر از صندوقهای حمایتی و توسعه‌ای دولتی و غیردولتی مثل صندوق حمایت از توسعه و پیشرفت قسمت کشاورزی در محدوده آیین نامه فعلی خود هم می‌گردند. به حالت کلی از این ماده این گونه استنباط می‌گردد که قانون پولی و بانکی کشور در خصوص بحث ورشکستگی بانکها، حکم خاصی را به غیر از بند (د) ماده ۴۱ حول مقررات و قانون عام قانون تجارت مطرح نکرده و صرفاً با عنایت به لزوم نظارت عالی بانک مرکزی درباره طرز فعالیت بانکها و همچنین توقف فعالیتشان چنین معین شده است که دادگاه تصمیم نهایی خویش را می‌بایست با عنایت به نظر بانک مرکزی اتخاذ کند که در این ارتباط یک مهلت زمانی یک ماهه هم مورد نظر قرار گرفته است. وقتی پس از منقضی شدن این مهلت نظر بانک مرکزی به دادگاه واصل نگردد، دادگاه به این ترتیب تأثیر نمی‌گذارد. همان گونه که سیاق عبارت قانون اقتضا دارد نظر اعلامی بانک مرکزی به دادگاه درباره ورشکستگی یک بانک به حالتی جنبه ارشادی داشته و نهایتاً دادگاه منطبق با تشخیص خود اقدام خواهد کرد در بندهای ب و ج این ماده هم نهادها و افراد دخیل در اثر تصفیه بانک ورشکسته تعیین شده‌اند که شامل اداره تصفیه امور ورشکستگی و نماینده تعیین

سویی باید به قوانین نسبتاً کامل قانون تجارت در خصوص ورشکستگی و تصفیه گوشه چشمی داشت و همچنین علاوه بر قوانین عام موجود، قوانین خاص نیز مورد توجه قرار گیرد و در هر حال باید ویژگیهای به خصوص فعالیتهای بانکی و ضرورت نظارت بانک مرکزی بر فعالیت بانکها یا ورشکستگی و خروج آنها از گردونه خدمات بانکی مورد توجه قرار گیرد، بنابراین در این رابطه می‌بایست به قانون پولی و بانکی کشور به عنوان قانون مرجع فعالیتهای بانکی رجوع گردد.

۵-۱-۱. تحقق توقف ورشکستگی بانک و

مؤسسات مالی

در فصل سوم قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ قوانینی درباره روند انحلال و ورشکستگی بانکها پیش‌بینی شده است. مطابق ماده ۴۱ قانون مذکور:

الف- در شرایطی که توقف یا ورشکستگی بانکی اعلام گردد، دادگاه پیش از هر نوع تصمیم‌گیری نظر بانک مرکزی را جلب خواهد نمود. بانک مرکزی از تاریخ دریافت استعلام دادگاه می‌بایست در مدت یک ماه نظر خود را کتباً به دادگاه اعلام نماید. دادگاه با توجه به نظر بانک مرکزی و ادله موجود در پرونده، تصمیم مناسبی را خواهد گرفت.

ب. تصفیه امور بانک ورشکسته با اداره تصفیه امور ورشکستگی است.

ج. در کلیه موردهای زوال و ورشکستگی بانکها تصفیه امورشان با نظارت نماینده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام گردیده خواهد شد.

د. استرداد سپردههای پس انداز یا سپردههای مشابه تا میزان ۵۰ هزار ریال در درجه اول و سپردههای حساب جاری و سپردههای ثابت تا همین هزینه در درجه دوم بر تمامی تعهدهای دیگر

۵-۱-۲. زمان توقف در ورشکستگی بانکها و مؤسسات مالی

توقف بانک از تأدیه دیون، علی‌الظاهر تفاوتی با سایر اشخاص تاجر ندارد و همان معنای عامی که از مقررات قانون تجارت به‌ویژه ماده ۴۱۲ استنباط می‌شود، در مورد توقف بانکی نیز صادق است؛ اما به جهت ماهیت خاص عملیات بانکی و از آنجاکه عملیات بانکها بسیار فراتر از دیگر بنگاه‌های تجاری است و بروز هر گونه اختلال در فعالیت یک بانک می‌تواند به سرعت به فعالیت بانک‌های دیگر و سایر بازارهای مالی سرایت نموده و کل اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده و موجب کاهش اعتماد عمومی به عملکرد نهادهای مالی کشور و همچنین کاهش پس‌اندازها و افزایش خروج سرمایه از کشور شود، به‌ویژه در اقتصاد ایران که بانکها در تأمین منابع مالی بخش تولید نقش محوی دارند و هر گونه هرج و مرج در راندمان بانکها بر قسمت تولید و به تبعیت از آن در دیگر متغیرهای اقتصاد کلان تأثیرگذار خواهد بود (احمدیان؛ گرجی، ۱۳۹۶، ۱۲؛ نصیری؛ نصیری، ۱۴۰۰: ۱۳۹؛ عیسائی تفرشی؛ شیروانی، ۱۴۰۱، ۶۵)، از این‌رو به جهت حساسیت امر و اهمیت بسیار بالای سیستم بانکی و هزینه‌های هنگفتی که ورشکستگی بانکها در نظام اقتصادی کشور خواهد داشت، برای احراز توقف بانکی معیارها دقیق‌تری که قدرت شناسایی بانک‌هایی را که در فعالیت خود دچار اختلال شده‌اند ارائه شود و استناد به معیارهای سنتی شاید کارایی چندانی در نظام بانکی نخواهد داشت. بر این اساس، با توجه به مدل-های اقتصادی که مبتنی بر داده‌های آماری و فنی است و بانک‌های در معرض خطر را شناسایی و پیش‌بینی می‌نماید، متناسب با فعالیت‌های بانکی معیارهای خاصی تحت عنوان آستانه ورشکستگی ارائه شده است (طباطبایی‌نژاد، ۱۳۹۴، ۱۲۲؛ عیسائی

گشته به وسیله بانک مرکزی به منور نظارت بر روند امور است (عزیزیان گیلان، ۱۳۹۲: ۴۹-۴۵).

نظام عمومی ورشکستگی شرکتهای تجاری در صورتیکه در مورد بانکها هم اعمال شود با دو کاستی عمده مواجه می‌شود. نخست اینکه نظام عام ورشکستگی نمیتواند نظام مالی و حفظ ثبات آن را در فرایند اعمال قواعد ورشکستگی دخیل بداند و دوم اینکه نظام عام ورشکستگی مداخله دیرهنگامی است که در مورد بانکها کاربرد ندارد. علاوه بر این دو، کاستی‌های عمده دلایل دیگری نیز وجود دارند که ثابت می‌کنند با نظام عام ورشکستگی نمی‌توان مانع بحران‌های بانکی شد یا بر آنها غلبه کرد. به عنوان مثال قواعد نظام عام ورشکستگی معمولاً در خصوص مشارکت و نقش مالی دولتها در نجات و بازسازی بانک بحرانزده یا در معرض بحران حکمی ندارند. مقررات‌گذاری در خصوص بانکهای در معرض بحران باید توانایی فراهم کردن مجموعه‌ای از قواعد قانونی را داشته باشد که به مقامات صلاحیتدار این اختیار را بدهد که در فعالیت‌های بانک در معرض بحران مداخله‌های فوری و پیش از موعد داشته باشند تا تداوم عملکردهای مالی مهم بانکها تضمین شده و همزمان تأثیرات منفی اقتصادی ورشکستگی بانکها به حداقل برسد. در واقع نقش مهم بانکها در ثبات نظام مالی و سلامت اقتصاد کشورها این‌ها را ایجاد کرده است که نظام ورشکستگی نباید منتظر توقف بانکها باشد تا فرایند رسیدگی را آغاز کند و مانند نظام عام ورشکستگی شرکتهای تجاری، عنصری را که موجب برهم خوردن نظم موجود شده است حذف کند.

رسیدن به راه حلی مناسب متعسر خواهد بود (طباطبایی نژاد، ۱۳۹۴، ۱۲۲).

ب) توقف نقدینگی

بر اساس معیار توقف نقدینگی، زمانی می‌توان فرایند توقف بانک را آغاز کرد که بانک توانایی تأدیه دیون خود را در موعد آنها فرار رسیده است را نداشته باشد (طباطبایی نژاد، ۱۳۹۴، ۱۲۲؛ نیکبخت؛ قربانی، ۱۳۹۹، ۵۵). این معیار نیز با توقف ظاهری قابل تطبیق است و به موجب آن همین که بانک نتواند در سررسید به تعهدات خود عمل نماید، متوقف محسوب می‌شود هر چند ترازنامه آن نشان دهنده دارایی بیشتر از تعهداتش باشد و به منظور جلوگیری از سرایت امر به دیگر بانک‌ها و نظام مالی کشور باید فرایند توقف شروع شود (عیسائی تفرشی؛ شیروانی، ۱۴۰۱، ۶۶).

ج) توقف تنظیم‌گری

به دلیل کاستی‌های معیارهای توقف ترازنامه‌ای و توقف نقدینگی، تلاش شده است تا معیاری طراحی و به کار گرفته شود که اجازه دهد فرایند توقف در مراحل اولیه اختلال مالی بانک شروع شده و اقدامات لازم و پیشگیرانه انجام شود؛ به این منظور آستانه نظارتی یا توقف تنظیم‌گیری به کار گرفته شده است. بر اساس این معیار، ابتدا حد مشخصی از سرمایه به‌عنوان حداقل الزامات کفایت سرمایه برای بانک تعریف و مقرر می‌شود که بیانگر ریسک‌هایی است که بانک می‌تواند بپذیرد و چنانچه بانک از تأمین آن حداقل سرمایه ناتوان گردد، بانک دارای مشکل بوده و هشدارهای اولیه برای ساماندهی بانک به صدا درمی‌آید و باید فرایندهای نظارتی جهت ساماندهی امور بانک و یا شروع فرایند توقف عملیاتی گردد (طباطبایی نژاد، ۱۳۹۴، ۱۲۳؛ شیروانی، ۱۳۹۸، ۷۷).

تفرشی؛ شیروانی، ۱۴۰۱، ۶۶؛ آستانه در واقع نشانه خط قرمز اختلال در عملیات بانک است و عبور از بیانگر این است که فرایندهای توقف بانکی باید هر چه سریع‌تر اعمال شود. با تلفیق این معیارها با مفاهیم حقوقی می‌توان مفهومی از توقف در ورشکستگی بانک‌ها بدست داد که از حیث علمی قابلیت اعتبارسنجی فنی داشته و از حیث عملی نیز در حل و فصل معضلات بانکی کارایی بیشتری داشته باشد. با این دیدگاه این معیارها در ادامه به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) توقف ترازنامه‌ای

بر اساس معیار توقف ترازنامه‌ای، زمانی توقف بانک محقق می‌شود که ترازنامه بانک دلالت بر این داشته باشد که ارزش خالص دارایی‌های بانک منفی است، به این معنی که بدهی‌های بانک بیشتر از دارایی‌های آن است (هیدی ماندانیس؛ تیلور، ۱۳۹۲، ۴۲). براساس این معیار کارشناس هنگام محاسبه توانایی بانک صرفاً دارایی بانک اعم از مثبت و منفی را لحاظ می‌نماید و چنانچه دارایی منفی بیشتر از دارایی مثبت باشد بانک متوقف محسوب می‌شود و عوامل اعتباری و توانایی بازپرداخت درآینده مورد توجه قرار نمی‌گیرد (شیروانی، ۱۳۹۸، ۱۲۲). این معیار با مفهوم توقف واقعی قابل تطبیق است، با این تفاوت که بانک و موسسه مالی که به صورت شرکت اداره می‌شود، هر ساله باید بر اساس دفاتر تجاری قانونی ترازنامه فعالیت خود را تنظیم نماید و هر گاه این ترازنامه منفی باشد باید فرایندهای ورشکستگی آغاز شود. اما این معیار نمی‌تواند معیار دقیقی باشد چون صرف منفی بودن ترازنامه دلالت بر توقف و ورشکستگی ندارد. علاوه بر آن، زمانی که بانک از این آستانه عبور می‌نماید و به‌طور واقعی ترازنامه بانک دلالت بر عدم کفایت دارای بانک برای تأدیه دیونش داشته باشد، دیگر خیلی دیر شده و احتمال

عملکرد تعدیل‌شده با ریسک و تخصیص سرمایه بر اساس ریسک). از طرف دیگر، سرمایه نظارتی به صورت تجمیعی تعیین می‌شود (مثلاً سطح کل شبکه) و نمی‌تواند برای تسهیل در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر ریسک در سطح پرتفوی یا سطح پروژه یا سطح منابع در معرض خطر اندازه‌گیری شود. یک ضعف دیگر در مدل سرمایه نظارتی مربوط به جداول زمانی گزارشگری و نظارت بر سرمایه نظارتی است که ممکن است گزارشگری و نظارت بر سرمایه‌های نظارتی به موقع نباشد (فراهانیان، ۱۳۹۴؛ خاکسار آستانه، گوهر رستمی، ۱۴۰۲؛ اسکندری؛ اخگرپور، ۱۴۰۲).

۵-۲. وظایف بانک مرکزی در احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی

بانک مرکزی به‌عنوان واحدی مستقل که مسئول نظارت بر سیاست‌های پولی و مالی کشور است، نقش بسیار حیاتی در حفظ پایداری و امنیت سیستم بانکی و مؤسسات مالی دارد. در راستای اجرای این نقش، وظایف گوناگونی بر عهده دارد که انجام این وظایف می‌تواند در احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی نقش ایفاء نماید. در این گفتار، به بررسی وظایف بانک مرکزی که در احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی تأثیرات بسزایی دارد، پرداخته خواهد شد (ناراین، ۲۰۱۹؛ رضوی؛ سهرابی، ۱۴۰۰، ۱۴۸).

۵-۲-۱. تعیین استانداردهای راهبردی ناظر بر ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی

در ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات، تعیین استانداردهای راهبردی توسط بانک مرکزی شامل مجموعه‌ای از قوانین، دستورالعمل‌ها و روش‌های عملیاتی است که بانک مرکزی در صورت وقوع ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی باید اجرا کند.

اما این معیار دارای ایراداتی است که می‌تواند کارآیی آن را در تشخیص توقف و ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی را با چالش مواجه نماید، اولین نقطه ضعف در معیار سرمایه نظارتی، این است که میزان سرمایه نظارتی می‌تواند اختلاف قابل توجهی با سطح سرمایه واقعی داشته باشد و صرف تأمین سرمایه نظارتی نمی‌تواند تضمین‌کننده عدم توقف باشد و چه بسا بانک و موسسه مالی با استفاده از منابع کاذب و با هر ترفندی از جمله تغییر روش محاسبه سرمایه واقعی، نسبت به تأمین و پوشش سرمایه نظارتی اقدام نماید و با وجود این، وضعیت بانک دچار ناترازی شود و تناسب دارایی‌های مثبت و منفی بانک عمیق‌تر و بیشتر نماید و بدهی‌های بانک بسیار بیشتر از میزان سرمایه نظارتی و دارایی مثبت بانک و موسسه باشد. علاوه بر آن، معیار سرمایه نظارتی به اندازه دیگر معیارهای سرمایه، مثل سرمایه اقتصادی در تسهیل تصمیم‌گیری مبتنی بر ریسک مؤثر نیست. سرمایه اقتصادی را می‌توان بر اساس ریسک پرتفوی یا براساس منابع در معرض خطر یا بر مبنای پروژه‌ها محاسبه کرد که این امر می‌تواند تصمیمات مبتنی بر ریسک را تسهیل کند (مثلاً ارزیابی عملکرد تعدیل‌شده با ریسک و تخصیص سرمایه بر اساس ریسک). از طرف دیگر، سرمایه نظارتی به صورت تجمیعی تعیین می‌شود (مثلاً سطح کل شبکه) و نمی‌تواند برای تسهیل در تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر ریسک در سطح پرتفوی یا سطح پروژه یا سطح منابع در معرض خطر اندازه‌گیری شود

سرمایه نظارتی به اندازه سرمایه اقتصادی در تسهیل تصمیم‌گیری مبتنی بر ریسک مؤثر نیست. عملی سرمایه اقتصادی را می‌توان بر اساس ریسک پرتفوی یا براساس منابع در معرض خطر یا بر مبنای پروژه‌ها محاسبه کرد که این امر می‌تواند تصمیمات مبتنی بر ریسک را تسهیل کند (مثلاً ارزیابی

حساب‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی صورت پذیرد (ون هانس، ۲۰۱۷).

۵-۲-۲. نظارت بر سلامت مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی

یک مدل دوگانه انگیزه و تخصص فنی بانک مرکزی، بانک‌ها و مؤسسات در معرض خطر سیستماتیک را مهار می‌کند و نیاز به هماهنگی بین سازمانی، در این زمینه را کاهش می‌دهد. این مدل ممکن است، نسبت به ساختار یکپارچه جذاب‌تر باشد، وقتی طراحی نمایندگی صریح‌تر به سمت کاهش ریسک از طریق معرفی ابزارهای جدید کلان که می‌توانند در کنار خط مشی پولی برای حاوی ماکروسیستم استفاده شوند. خطرات از طریق مقررات پیشرفته و رژیم‌های روشن ویژه برای سیستماتیک مهم مؤسسات؛ و از طریق یک رویکرد یکپارچه‌تر برای نظارت بر پرداخت و سیستم‌های حل و فصل تعدادی از رویکردهای ترکیبی نیز مورد بحث قرار گیرد که درجات مختلفی را ارائه می‌دهد و بانک مرکزی نقش نظارتی را بر عهده می‌گیرد، روش‌های مختلفی که کاهش ریسک سیستماتیک بوده و عملیاتی شده در ساختار نمایندگی و روابط مختلف بین بانک مرکزی و رفتار تنظیم کننده تجارت است. این مدل‌های ترکیبی الگوهای مختلفی از مزایا و هزینه‌هایی را ارائه می‌دهند که به‌طور مفیدی در آن مورد مطالعه قرار می‌گیرند در زمینه برنامه کاربردی برای کشورهای که در توسعه مالی متفاوت قرار دارند. علاوه بر این، اصلاحات اساسی چارچوب‌های ثبات مالی می‌تواند مختل کننده و ممکن است همیشه گزینه ارجح نباشد. در بعضی موارد، به جای آن می‌توان تغییرات افزایشی را ایجاد کرد برای پرداختن به نقاط ضعف، به‌عنوان مثال با روشن کردن منافع هر نمایندگی و توسط عملیاتی کردن همکاری‌های بین سازمانی در جایی که لازم است

این استانداردها شامل موارد زیر می‌باشند (امیری و همکاران، ۱۴۰۱، ۸؛ سلطانی، ۱۳۹۸، ۵۶):

۱ - برنامه‌ریزی و مدیریت بحران: بانک مرکزی باید برنامه‌های مشخصی برای مدیریت بحران در صورت وقوع ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی داشته باشد. این برنامه‌ها شامل اقدامات فوری، تعهدات مالی، تعیین اولویت‌ها و تصمیم‌گیری درباره ادامه فعالیت یا تعطیل شدن بانک‌ها و مؤسسات مالی است.

۲ - تعیین نقش وظیفه‌ها: بانک مرکزی باید نقش وظیفه‌های خود را در صورت وقوع ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی مشخص کند. این شامل تعیین نقش بانک مرکزی در ارائه تسهیلات پایداری، نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی، تصمیم‌گیری درباره فعالیت یا تعطیلی بانک‌ها و مؤسسات مالی و تعیین نقش سایر سازمان‌های دولتی در این زمینه است.

۳ - تدابیر پایداری: بانک مرکزی باید تدابیر پایداری را برای جلوگیری از وقوع ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی تعیین کند. این شامل تدابیر نظارتی، تدابیر سرمایه‌گذاری، تدابیر پذیرش ریسک و تدابیر حفاظت از مشتریان است (گروپ و همکاران، ۲۰۱۹).

۴ - ارتباط با سایر سازمان‌ها: بانک مرکزی باید با سایر سازمان‌های دولتی و بین‌المللی در ارتباط باشد تا در صورت وقوع ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی، اقدامات لازم در جهت حفاظت از اقتصاد کشور و مشتریان بانک‌ها و مؤسسات مالی صورت پذیرد.

۵ - تعیین استانداردهای حسابرسی: بانک مرکزی باید استانداردهای حسابرسی را برای بانک‌ها و مؤسسات مالی تعیین کند تا در صورت وقوع ورشکستگی، حسابرسی صحیح و قابل قبولی از

اعتباری ارائه کند. این تسهیلات شامل وامها و خطوط اعتباری با شرایط و نرخ بهره مناسب است. ۲ - تسهیلات پولی: بانک مرکزی می‌تواند با افزایش عرضه پول، منابع مالی لازم را به بانکها و مؤسسات مالی ورشکسته ارائه کند. این تسهیلات می‌تواند به صورت خرید اوراق بهادار یا قرض‌الحسنه از بانکها و مؤسسات مالی صورت بگیرد.

۳ - تسهیلات پایداری: بانک مرکزی می‌تواند تسهیلات پایداری به بانکها و مؤسسات مالی ورشکسته ارائه کند تا آنها را در فعالیتهای خود حمایت کند. این تسهیلات می‌تواند شامل وامهای بلندمدت با شرایط و نرخ بهره مناسب، حمایت از افزایش سرمایه و تسهیلات مالی دیگر باشد (موجون؛ اسمتس، ۲۰۰۲).

بانک مرکزی برای ارائه تسهیلات پایداری باید با دقت و دانش کافی به تحلیل و بررسی شرایط بانکها و مؤسسات مالی ورشکسته بپردازد. علاوه بر این، باید شرایط و نرخ بهره مناسب را تعیین کند تا بانکها و مؤسسات مالی بتوانند از این تسهیلات بهره‌برداری کنند. همچنین، بانک مرکزی باید با رعایت قوانین و مقررات مربوطه این تسهیلات را ارائه کند و نظارت و کنترل مستمری بر استفاده صحیح از آنها داشته باشد.

۵-۲-۴. اجرای سیاستهای پولی و مالی

مناسب

بانکها در کاهش ریسک سیستماتیک، با استفاده از ابزارهایی که به‌طور معمول در اختیار آنها وجود دارد همانند سیاست پولی، تأمین نقدینگی کل در بازارهای پول و دادن وام بعنوان آخرین راه (LOLR)، و نظارت بر سیستمهای پاکسازی و تسویه حساب، بررسی جامع هزینه‌ها و مزایای نقش رسمی‌تر بانکهای مرکزی در ثبات مالی، از جمله

بوجود آید. اگر به بانک مرکزی نقش قوی‌تری در ثبات مالی، از جمله تأثیر قوی‌تر داده شود در مورد تنظیم مالی نهادهای انفرادی، و همچنین نقش واضح‌تری در قانون روشن آنها، این قدرت‌ها باید توسط مکانیسم‌های قوی که تضمین می‌کنند تکمیل شوند شفافیت و درجه بالایی از پاسخگویی اقدامات بانک مرکزی در حفاظت ثبات اقتصادی. علاوه بر این، چارچوب کلی باید آن را روشن کند مسئولیت هزینه‌های شبه مالی که در حل و فصل مؤسسات مالی انجام شده است با خزانه داری برابری کنید. سرانجام، در حالی که طراحی چارچوب‌های ملی می‌تواند به موفقیت مالی کمک کند سیاست ثبات، موفقیت همچنین به تعدادی از عوامل دیگر از جمله عوامل ذهنی بستگی دارد شفافیت در نحوه پاسخگویی به بازارهای مالی به سیاست نظارتی و پولی و همچنین کیفیت راهبردی و منابع اختصاص یافته به بانکهای مرکزی و نمایندگی‌های نظارتی بستگی دارد. در پایان این فصل ابتدا نقش بانکهای مرکزی در ثبات مالی را در بر می‌گیرد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۰؛ بک و همکاران، ۲۰۱۸).

۵-۲-۳. ارائه تسهیلات پایداری

ارائه تسهیلات پایداری توسط بانک مرکزی به معنی ارائه تسهیلات مالی به بانکها و مؤسسات مالی در شرایط بحرانی یا ورشکستگی است. این تسهیلات به منظور حمایت و بازسازی این مؤسسات و حفظ استقرار سیستم مالی ارائه می‌شود.

برای انجام این کار، بانک مرکزی می‌تواند از ابزارهای مختلفی استفاده کند. برخی از این ابزارها عبارتند از (سلیمی‌فر؛ قوی، ۱۳۸۱، ۱۳۵):

۱ - تسهیلات اعتباری: بانک مرکزی می‌تواند به بانکها و مؤسسات مالی ورشکسته تسهیلات

۳-۵. ابزارهای کنترلی و روش‌های نظارتی بانک مرکزی

بانک مرکزی به‌عنوان نهادی نظارتی، ابزارها و روش‌های متعددی را برای احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی به کار می‌برد. این ابزارها و روش‌ها عبارتند از (کومهوف؛ لاکستون، ۲۰۱۳؛ حسین پور، ۱۳۹۰، ۲۰۷):

۱-۳-۵. اهرم‌های تنبیه

بانک مرکزی به‌عنوان نهادی ناظر بر سیستم بانکی کشور، از اهرم‌های مختلفی برای تنبیه بانک‌ها و مؤسسات مالی استفاده می‌کند که عملکرد غیرقانونی یا نامناسب را از سوی آنها مشاهده می‌کند. و چنانچه این اهرام‌ها توسط بانک مرکزی به هنگام اعمال شوند احراز ورشکستگی را برای مراجع قضایی بسیار تسهیل می‌نماید. این اهرم‌ها عبارتند از (سجّتی؛ دیسیاتات، ۲۰۱۰؛ تقی نژاد عمران و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۳۲):

جریمه‌های مالی: بانک مرکزی می‌تواند برای تخلفات مالی یا تخطی از قوانین و مقررات، جریمه‌های مالی به بانک‌ها و مؤسسات مالی تحمیل کند (آلتمن و همکاران، ۲۰۰۴).

محدودیت‌های عملیاتی: بانک مرکزی می‌تواند محدودیت‌هایی را بر فعالیت‌های بانکی یا مالی اعمال کند. این می‌تواند شامل محدود کردن تعداد معاملات، محدود کردن حجم معاملات یا محدود کردن نوع معاملات باشد.

توقف فعالیت: در موارد شدید، بانک مرکزی می‌تواند بانک یا موسسه مالی را مجبور به توقف فعالیت کند.

نقش رسمی‌تر و گسترده‌تر در تنظیم مالی می‌باشد (علوی، کیمجانی، ۱۳۷۹، ۱۰۹).

تجزیه و تحلیلها نشان می‌دهد که نقش گسترده‌ی بانک مرکزی که فراتر از ابزارها است. در حال حاضر به‌طور معمول در اختیار آنها قرار دارد، ممکن است اثربخشی کلی مالی را نیز افزایش دهد. مقررات به آنها اجازه می‌دهد تا از هم‌افزایی‌ها بین ابزارهای نظارتی موجود و جدید مورد استفاده قرار دهند و خطر سیستماتیک را کاهش دهید. نقش گسترده‌ی در مقررات مالی می‌تواند انگیزه‌های بانک مرکزی را برای آن مهیا کند و خطر سیستماتیک را کاهش دهد. این می‌تواند تخصص آنها را در تجزیه و تحلیل کلان مالی به طراحی و استفاده از ابزارهای کلان مطلع کند و می‌تواند دانش را از زیرساخت‌های حمایت از تجارت در بازارهای مالی و مدیریت بحران افزایش دهد. می‌تواند همچنین دسترسی به اطلاعات را افزایش داده و ابزارهای بانک مرکزی را که در معرض خطر است کاهش دهد. نقش گسترده‌ی در تنظیم مالی نیز می‌تواند با هزینه‌ها همراه باشد. با این حال، برعکس به خرد دریافتی که بر درگیری‌های احتمالی بین محتاطان و سیاست پولی، تجربه‌هایی که اکنون از بحران به دست می‌آید را هم‌افزایی بالقوه بین سیاست پولی و مقررات مالی بوجود آورد (ایگنازیو؛ ارمن، ۲۰۲۱). این مکمل‌ها ممکن است به‌عنوان پول و محتاطانه به تسکین واضح‌تری برسند سیاست‌هایی برای پاسخ بیشتر در مورد لزوم کاهش خطر سیستماتیک مورد بازنگری قرار گیرد. استفاده مؤثرتر از کلیه ابزارهای موجود ممکن است تعداد بحران‌ها را کاهش دهد و می‌تواند تأثیر آنها را کم کند و این احتمال را برای تحمل فشارهای سیاسی کاهش می‌دهد (ویر؛ ریمر، ۲۰۱۱).

این شامل شاخص‌های مانند نسبت سرمایه به دارایی، نسبت سود به دارایی، نسبت هزینه به درآمد و سایر شاخص‌های مالی است.

۴. استفاده از مدل‌ها و روش‌های تحلیلی: بانک مرکزی می‌تواند از مدل‌ها و روش‌های تحلیلی پیشرفته برای ارزیابی توانمندی‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی استفاده کند. این شامل استفاده از مدل‌های ارزش زنجیره، مدل‌های ریسک، مدل‌های تحلیل پرتفوی و سایر روش‌های تحلیلی است (اولاینکا؛ آدووال؛ اولووستون، ۲۰۲۳).

با استفاده از این روش‌ها و ابزارها، بانک مرکزی قادر است توانمندی‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی را به‌طور دقیق تحلیل و ارزیابی کند و در صورت لزوم، اقدامات مناسبی را اتخاذ کند تا پایداری و عملکرد صحیح آنها را تضمین کند و چنانچه عملکرد بانک و موسسه را دچار اختلال تشخیص دهد می‌تواند از طریق اعلام ورشکستگی اقدام و به ارزیابی و تحلیل کارشناسی خود را برای اثبات و احراز ورشکستگی استناد نماید (کومار؛ کاویتا، ۲۰۱۸).

۵-۳-۳. ارزیابی ریسکها و تخلفات مالی

بانک‌ها و موسسه‌های مالی

بانک مرکزی به‌عنوان نهادی نظارتی، می‌تواند با ارزیابی دقیق و منظم ریسکها و تخلفات مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی، از ورشکستگی آنها جلوگیری کند. این ارزیابی می‌تواند به چندین شکل تاثیرگذار باشد (تقوی؛ خدائی وله زادفر، ۱۳۸۹، ۳؛ مرتضوی؛ شکرخواه، ۱۴۰۱، ۸۷).

۱. شناسایی مشکلات مالی: با ارزیابی دقیق و منظم، بانک مرکزی می‌تواند مشکلات مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی را در مراحل اولیه شناسایی کند و به آنها اجازه دهد تا اقدامات لازم برای رفع این مشکلات را انجام دهند.

تغییر مدیریت: بانک مرکزی می‌تواند در مواردی که بانک یا موسسه مالی به‌طور مداوم قوانین و مقررات را نقض می‌کند، مدیریت آن را تغییر دهد.

۵- اعلام ورشکستگی: در صورتی که بانک یا موسسه مالی نتواند بدهی‌های خود را پرداخت کند یا در صورت وجود خطر ورشکستگی، بانک مرکزی می‌تواند ورشکستگی آن را اعلام کند. این اقدامات توسط بانک مرکزی با هدف حفظ سلامت سیستم بانکی و مالی کشور و جلوگیری از بروز بحران‌های مالی انجام می‌شود (ماسیاندارو؛ کوئینتین، ۲۰۱۳).

۵-۳-۲. تحلیل توانمندی‌های مالی

یکی دیگر از ابزارهایی که بانک مرکزی برای نظارت به فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی در اختیار دارد و می‌تواند در احراز ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی کارایی داشته باشد، تحلیل و ارزیابی توانمندی‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی است. به این منظور بانک مرکزی می‌تواند از روش‌های زیر استفاده کند (شاهچرا؛ ولیزاده، ۱۳۹۷، ۱۰۵؛ ذالبنگی دارستانی، ۱۳۹۳، ۳۰۷).

۱. نظارت مستقیم: بانک مرکزی می‌تواند با انجام بازرسی‌ها و تحلیل‌های مالی، به صورت مستقیم توانمندی‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی را ارزیابی کند. این شامل بررسی سرمایه، ریسک‌ها، عملکرد مالی و سایر عوامل مالی است.

۲. نظارت غیرمستقیم: بانک مرکزی می‌تواند از طریق درخواست گزارش‌های مالی و اطلاعات دوره‌ای از بانک‌ها و مؤسسات مالی، توانمندی‌های آنها را ارزیابی کند. این شامل بررسی گزارش‌های سود و زیان، سرمایه، ریسک‌ها و سایر عوامل مالی است.

۳. استفاده از شاخص‌ها و معیارها: بانک مرکزی می‌تواند شاخص‌ها و معیارهای مالی را برای ارزیابی توانمندی‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی استفاده کند.

و جلوگیری از ورشکستگی استفاده می‌شود (تکتک و همکاران، ۲۰۱۰).

اگر بانک یا موسسه مالی نتواند حد کفایت سرمایه مورد نیاز را تأمین کند، این نشان دهنده این است که این بانک یا موسسه با مشکلات مالی روبرو است و احتمال ورشکستگی دارد. در این صورت، بانک مرکزی می‌تواند اقداماتی را برای جلوگیری از ورشکستگی این بانک یا موسسه انجام دهد، مانند اعطای وام یا تسهیلات مالی، یا حتی تغییر مدیریت. به علاوه، تعیین حد کفایت سرمایه می‌تواند به بانک مرکزی کمک کند تا بانک‌ها و مؤسسات مالی را بر اساس سطح ریسک و پایداری مالی آنها رتبه بندی کند. این رتبه بندی می‌تواند به بانک مرکزی کمک کند تا بانک‌ها و مؤسسات مالی با ریسک بالا را شناسایی کرده و اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از ورشکستگی آنها انجام دهد (طالبی، سلگی، ۱۳۹۵، ۵۳۴؛ محرابیان و همکاران، ۱۴۰۰).

۶. نتیجه

معیارهای ارائه شده برای سهولت و تسریع در تشخیص ورشکستگی بانکها و مؤسسات مالی، سه معیار است: الف) آستانه ترازنامه‌ای که حسب آن، زمانی توقف بانک محقق می‌شود و فرآیند ورشکستگی قابلیت شروع را دارد که ترازنامه بانک دلالت بر این داشته باشد که ارزش خالص دارایی‌های بانک منفی شده و بدهی‌های بانک بیشتر از دارایی‌های آن است. بر اساس این معیار کارشناس هنگام محاسبه توانایی بانک صرفاً دارایی بانک اعم از مثبت و منفی را لحاظ می‌نماید و چنانچه دارایی منفی بیشتر از دارایی مثبت باشد بانک متوقف محسوب می‌شود. این معیار با مفهوم توقف واقعی در ورشکستگی عمومی قابل تطبیق است، با این تفاوت که بانک و موسسه مالی که به صورت شرکت اداره می‌شود، هر ساله باید بر اساس دفاتر تجاری

۲. اجرای قوانین و مقررات: بانک مرکزی می‌تواند با اجرای قوانین و مقررات مالی، بانک‌ها و مؤسسات مالی را مجبور به رعایت استانداردهای مالی کند. این می‌تواند از وقوع تخلفات مالی جلوگیری کند که ممکن است منجر به ورشکستگی شود.

۳. افزایش شفافیت: ارزیابی‌های منظم بانک مرکزی می‌تواند به افزایش شفافیت در عملکرد بانک‌ها و مؤسسات مالی کمک کند. این شفافیت می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و کاهش احتمال ورشکستگی منجر شود.

۴. کاهش ریسک: بانک مرکزی با ارزیابی ریسک‌های مالی، می‌تواند به بانک‌ها و مؤسسات مالی کمک کند تا استراتژی‌های مناسب برای کاهش این ریسک‌ها ایجاد کنند. این می‌تواند به کاهش احتمال ورشکستگی منجر شود.

درنهایت، نقش بانک مرکزی در ارزیابی ریسکها و تخلفات مالی بسیار حیاتی است و می‌تواند به جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی کمک کند.

۵-۳-۴. تعیین حد سرمایه کافی

نسبت کفایت سرمایه بانکی عبارت است از: حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد است. این نسبت نشان می‌دهد که بانک تا چه اندازه می‌تواند ریسک‌های موجود را بوسیله سرمایه خود پوشش دهد. نسبت کفایت سرمایه، ملاکی برای تحلیل وضعیت و سنجش ثبات مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی است. بانک مرکزی با تعیین حد کفایت سرمایه بانک‌ها و مؤسسات مالی، میزان سرمایه لازم برای پوشش ریسک‌های مالی و عملیاتی این بانک‌ها و مؤسسات را مشخص می‌کند. این حد کفایت سرمایه به‌عنوان یک سنجح ایمنی برای حفظ پایداری مالی

با توجه به اختیارات بسیار گسترده بانک مرکزی در نظارت بر سیاست‌های پولی و مالی کشور حسب مقررات قانونی که در این راستا حتی می‌تواند با پیشنهاد خود و با تصویب مقامات مقرر در ماده ۳۹ قانون پولی و بانکی کشور، موجبات عزل مدیران بانک و موسسه مالی دارای مخاطرات و تفویض اداره امور بانک و موسسه بحران زده به خود را فراهم نماید، بانک مرکزی باید به نحوی عمل نماید تا بانک و موسسه مالی دچار توقف و ورشکستگی نشود و بدون تردید وقتی که بانک و موسسه مالی به این مرحله می‌رسد به معنای این است که بانک مرکزی در انجام وظایف خود موفق نبوده و به همین جهت است که قانونگذار نقش چندانی برای بانک مرکزی در ورشکستگی بانکها و مؤسسات مالی قائل نشده است. در مرحله دادرسی بانک مرکزی صرفاً نقش مشورتی داشته و از باب مشورت نظر خود در مورد ورشکستگی بانک یا موسسه مالی به دادگاه اعلام می‌نماید و دادگاه هیچ الزامی برای تبعیت از نظر بانک مرکزی ندارد و در مرحله تصفیه نیز نقش نظارتی دارد و این نظارت نیز اطلاعی است و نه تنها از باب صرف نظارت حق هیچ دخالتی در مرحله تصفیه ندارد، بلکه از این حیث حق اعتراض به تصمیمات و اقدامات دادگاه و مرجع تصفیه را نیز ندارد.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

قانونی ترازنامه فعالیت خود را تنظیم نماید و هر گاه این ترازنامه منفی باشد باید فرآیندهای ورشکستگی آغاز شود.

ب) آستانه نقدینگی، مطابق آن، زمانی می‌توان فرایند توقف بانک را آغاز کرد که بانک توانایی تأدیه دیون خود را در موعد نداشته باشد. این معیار نیز با توقف ظاهری قابل تطبیق است و به موجب آن همین که بانک نتواند در سررسید به تعهدات خود عمل نماید، متوقف محسوب می‌شود هر چند ترازنامه آن نشان دهنده دارایی بیشتر از تعهداتش باشد اما به منظور جلوگیری از سرایت امر به دیگر بانکها و نظام مالی کشور باید فرآیند توقف شروع شود.

ج) آستانه تنظیم گری، به دلیل کاستی‌های معیارهای توقف ترازنامه‌ای و توقف نقدینگی، تلاش شده است تا معیاری طراحی و به کار گرفته شود که اجازه دهد فرآیند توقف در مراحل اولیه اختلال مالی بانک شروع شده و اقدامات لازم و پیشگیرانه انجام شود؛ به این منظور آستانه نظارتی یا توقف تنظیم گیری به کار گرفته شده است. بر اساس این معیار، ابتدا حد مشخصی از سرمایه به عنوان حداقل الزامات کفایت سرمایه برای بانک تعریف می‌شود که بیانگر ریسک‌هایی است که بانک می‌تواند بپذیرد و چنانچه بانک از تأمین آن حداقل سرمایه ناتوان گردد، بانک دارای مشکل بوده و هشدارهای اولیه برای ساماندهی بانک به صدا درمی‌آید و باید فرآیندهای نظارتی جهت ساماندهی امور بانک و یا شروع فرآیند توقف عملیاتی گردد. با تلفیق این معیار با مفاهیم حقوقی می‌توان مفهومی از توقف در ورشکستگی بانکها بدست داد که از حیث علمی قابلیت اعتبارسنجی فنی داشته و از حیث عملی نیز در حل و فصل معضلات بانکی کارایی بیشتری داشته باشد.

منابع

منابع فارسی

- احمدیان اعظم؛ گرجی، مهسا، «تبیین الگوی پیش‌بینی ورشکستگی جهت شناسایی بانک‌های سالم و در معرض خطر»، فصلنامه مدیریت دارایی و تأمین مالی، شماره سوم، ۱۳۹۶.
- احمدیان، اعظم، گزارش ارزیابی شاخص‌های سلامت بانکی در بانکهای ایران (۱۳۹۱-۱۳۹۰)، چاپ اول، تهران، نشر پژوهش‌گده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲.
- اسکندری، زهرا؛ اخگرپور، لیلا، «مفاهیم مدل‌های سرمایه‌نظارتی و نقاط ضعف آنها»، نشریه دنیای اقتصاد، شماره نود و چهارم، ۱۴۰۲.
- امیری، هیوا؛ دهدار، فرهاد؛ عبدلی، محمدرضا، «طراحی و ارائه مدلی بهینه جهت تعیین ریسک (ورشکستگی) نکول بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی بر مبنای تحلیل تمایزی (تشخیصی)»، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و نهم، ۱۴۰۱.
- باقری، محمود؛ توسلی، محمدسجاد، «بررسی مسائل حقوقی ورشکستگی بانکهای چندملیتی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره چهل و نهم، ۱۳۹۲.
- تقوی، مهدی؛ خدائی وله زادفر، محمد، «ارزیابی و ارائه الگوی مناسب برای شناسایی، اندازه‌گیری و کنترل ریسکهای مالی در مؤسسات مالی و اعتباری (مطالعه موردی بانک ملت)»، نشریه پژوهش‌های مدیریت، شماره هشتاد و ششم، ۱۳۸۹.
- تقی نژادعمران، وحید؛ میلادعلمی، زهرا؛ حسین پور، فاطمه زهرا، «بررسی اثر تعیین‌کننده‌های اهرم بانکی در چرخه‌های اقتصادی»، شماره هشتاد و هشتم، ۱۳۹۹.
- حسین پور، ایمان، «ورشکستگی بانک در حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۹۰.
- خاکسارآستانه، سمانه؛ گوهررستمی، مهدی، «بررسی تأثیر کفایت سرمایه بر شاخص کارایی اقتصادی بانکهای دولتی در ایران»، فصلنامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی (موسسه عالی آموزش بانکداری ایران)، شماره بیست و سوم، ۱۴۰۲.
- دهقان درست، مرتضی؛ حیدری، حسن؛ بشیری، سحر، «نقش بانکی در پویایی‌های بخش اقتصاد کلان ایران در قالب یک مدل تعادل عمومی تصادفی پویا»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، شماره دوم، ۱۴۰۱.
- ذالبنگی دارستانی، حسام، «عوامل مؤثر بر ثبات در شبکه بانکی ایران»، نشریه

- پژوهش‌های پولی - بانکی، شماره بیستم، - طباطبایی نژاد، سیدمحمد، «کاستی‌های نظام ورشکستگی بانکها در ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره اول، ۱۳۹۴.
- رضوی، مهدی؛ سهرابی، ابراهیم، عملیات بانکداری داخلی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۴۰۰.
- سلطانی، محمد، حقوق بانکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۸.
- سلیمی فر، مصطفی؛ قوی، مسعود، «تسهیلات بانکها و سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران»، نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره سیزدهم، ۱۳۸۱.
- شاهچرا، مهشید؛ ولیزاده، مهناز، «تأثیر اهرم بانکی بر سودآوری با هدف تقویت نظام اعتباری در شبکه بانکی کشور»، فصلنامه مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، شماره هشتم، ۱۳۹۷.
- شیروانی، خدیجه، «نظام حقوقی حاکم بر ورشکستگی بانکها (مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا و ایران با تأکید بر موازین فقه امامیه)»، رساله دکتری، تهران، دانشگاه شهید مطهری، ۱۳۹۸.
- صقری، محمد، حقوق بازرگانی - ورشکستگی، جلد دوم، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
- طالبی، محمد؛ سلگی، محمد، «بررسی رابطه بین ریسک و نسبت کفایت سرمایه شواهدی از بانکهای ایرانی»، فصلنامه پژوهش‌های پولی - بانکی، سال نهم، شماره سی‌ام، ۱۳۹۵.
- عزیزیان گیلان، ماجد، «چارچوب قانونی ورشکستگی بانکها در حقوق ایران»، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره یکصد و چهارم، ۱۳۹۲.
- علوی، سید محمود؛ کمیجانی، اکبر، «کارایی سیاست‌های پولی در اثربخشی بر تورم و رشد اقتصادی در ایران»، نشریه سمینار اقتصاد ایران در دهه سوم بعد از انقلاب، شماره اول، ۱۳۷۹.
- عیسائی تفرشی، محمد؛ شیروانی، خدیجه، «تحلیل مفهوم و معیارهای توقف بانکها در حقوق آمریکا و ایران»، فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، شماره اول، ۱۴۰۱.
- فتاحی، شهرام؛ رضایی، مهدی؛ جاهد، طاهره، «تأثیر سلامت بانکی بر سودآوری بانک‌های تجاری (رویکرد رگرسیون پانل آستانه)»، نشریه راهبرد مدیریت مالی، شماره شانزدهم، ۱۳۹۶.
- فراهانیان، سیدمحمدجواد، «بررسی نظام‌های نظارتی در بازارهای مالی»، مجله اقتصادی، شماره‌های نهم و دهم، ۱۳۹۴.

منابع لاتین

- Altman, Edward I, Hotchkiss, Edith,, Mooradian, Robert M., "Bankruptcy and the Resolution of Financial Distress", Published in the Journal of Banking & Finance, No.25, 2004.
- Angeloni, Ignazio,, Ehrmann, Michael, "The Interaction between Monetary and Fiscal Policy The Role of Banks International", Journal of Central Banking, No.15, 2021.
- Beck, Thorsten,, Cordella, Tito,, Cull, Robert,, Soledad, Maria,, Peria, Martinez, Bank Supervision and Corruption in Lending Authors ", Journal of Monetary Economics, No.87, 2018.
- Cecchetti, Stephen G. and Disyatat, Piti, Central Bank Tools and Liquidity Shortages, 4th Edition, New York, Published in the Federal Reserve Bank, 2010.
- Gropp, Reint,, Mosk, Thomas,, Ongena, Steven, " The Impact of Bank Supervision on Risk Taking Evidence from a Natural Experiment Authors ", Carlo Wix Journal (Journal of Money, Credit and Banking), No.45, 2019.
- Kumar, V. Arun and Kavitha, R. V, "Financial Fraud: A Risk That Corporate Governance Cannot Ignore", Published in the International Journal of Law and Management, No.78, 2018.
- Kumhof, Michael,, Laxton, Douglas, "Monetary and Fiscal Policy Interactions in a Micro-
- محرابیان، آزاده؛ بهرامی زنوز، پریمما؛ امین رشتی، نارسیس؛ سیفی پور، رؤیا، «بررسی تأثیر متغیرهای بانکی بر نسبت کفایت سرمایه در سیستم بانکداری اسلامی مالزی و بانک‌های خصوصی ایران»، نشریه تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره چهل و پنجم، ۱۴۰۰.
- مرتضوی، سیدمرتضی؛ شکرخواه، جواد، «شناسایی ضعف‌های نظام کنترل‌های داخلی در بانک‌های ایران»، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره اول، ۱۴۰۱.
- نصیری، دانیال؛ نصیری، عزت اله، «ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری با نگاهی به کفالت بانکی»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره چهل و ششم، ۱۴۰۰.
- نیکبخت، محمدرضا؛ قربانی، محمود، «شناسایی شاخص‌های بانک‌های در معرض بحران ورشکستگی بر اساس روش تحلیل‌متم»، فصلنامه علمی مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره شصت و ششم، ۱۳۹۹.
- هیدی ماندانیس، شونر؛ تیلور، مایکل، «مروری بر ادبیات نظری ورشکستگی بانک‌ها»، ترجمه حمید، قنبری، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، شماره یکصد و چهارم، ۱۳۹۲.

- Financial Stability Evidence from the United States Authors ", Journal of Financial Stability, No.67. 2017.
- Weber, O & Remer, S, The Role of Banks in Financing Sustainable Development, 1st Edition, London, eBook Published, 2011.
 - Masciandaro, Donato and Quintyn, Marc, "The Role of Central Banks in Bank Supervision", Published in the Journal of Financial Stability, No.45, 2013.
 - Mojon, Benoît & Smets, Francesco, " Monetary and Fiscal Policies Interaction in Monetary Unions", Journal of Money Credit and Banking. No.14, 2002.
 - Narain, Aditya, " Financial Stability and Bank Supervision New Directions for Asia Authors Purna Saggurti", Journal International Monetary Fund (IMF), No.15, 2019.
 - Olayinka, O. O., Adewale, A. A and Oluwaseun., O. A. "Risk Assessment in Financial Institutions: A Case Study of Nigerian Banks", Published in the International Journal of Financial Research, No.65, 2023.
 - Taktak, N. B., Zouari, S. B. S & Boudriga, A, " Capital Adequacy and Banks' Profitability An Empirical Evidence from Egypt", published in African Development Review, No.68, 2010.
 - VanHoose, David "Bank Supervision Regulation and

